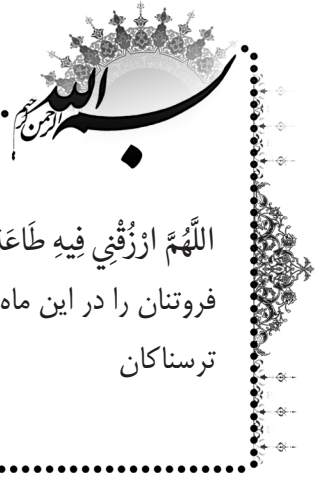




دعای روز پانزدهم

ماه
رمضان

شهر رمضان

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ وَ اشْرَحْ فِيهِ صَدْرِي بِإِنَابَةِ الْمُخْبِتِينَ بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ؛ خدایا! فرمانبرداری فروتنان را در این ماه روزیم کن و به بازگشت دلدادگان، سینهام را در این ماه گشاده نما، به امان تو ای امان ترسناکان

لبخند علی و فاطمه

امشب علی و فاطمه لبخند می زنند

پیوسته بوسه بر رخ فرزند می زنند

این سبط مصطفی است به دامان دخترش

این زاده علی است فرادست همسرش

این روح فاطمه است که بگرفته در برش

این طفل مجتبی است در آغوش مادرش

این حاصل تلاقی دو بهر رحمت است

در یم ولایت و دریای عصمت است

سید رضا مؤید

کنیه و القاب

و از جمله آداب و سنت های ولادت نوزاد پس از نام گذاری، تعیین کنیه برای اوست که طبق حدیثی، امام باقر (علیه السلام) فرمود: «انا لکنی اولادنا فی صغرهم مخافة النبز ان یلحق بهم؛ ما برای فرزندانمان در کودکی کنیه قرار می دهیم، از ترس آنکه مبدا در بزرگی دچار لقب های ناخوشایند گردند». و کنیه امام حسن (علیه السلام) بر طبق روایات بسیاری «ابو محمد» بوده و کنیه دیگری نداشته است.

و اما القاب آن حضرت بدین شرح است: سبط، زکی، مجتبی، سید، تقی، طیب، ولی...

و مرحوم اربلی در کتاب کشف الغمة پس از نقل کنیه و القاب آن حضرت از روی کتاب های اهل سنت گفته است: مشهورترین این القاب «تقی» است و بهترین و شایسته ترین آن ها همان است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را بدان ملقب فرمود و آن «سید» است.

بر گرفته از: «زندگانی امام حسن (علیه السلام)»، سید هاشم رسولی محلاتی

مراسم نامگذاری امام حسن مجتبی (علیه السلام)

فرزند گرامی رسول الله و نخستین نوهی او در مقدس ترین ماه های سال قمری یعنی پانزدهم رمضان سال سوم هجرت چشم به جهان گشود.

داستان ولادت به گونه ای که در روایات شیخ صدوق در امالی و علل و عیون اخبار الرضا (علیه السلام) و روایات دیگر محدثین شیعه و اهل سنت آمده و از امام سجاد (علیه السلام) روایت شده این گونه است که فرمود:

چون فاطمه (علیها السلام) فرزندش حسن را به دنیا آورد، به پدرش علی (علیه السلام) عرض کرد: نامی برای او بگذار، علی (علیه السلام) فرمود: من چنان نیستم که در مورد نامگذاری او به رسول خدا پیشی گرفته و سبقت جویم. در این وقت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بیامد. آن کودک را در پارچه زردی پیچیده، به نزد آن حضرت بردند.

حضرت فرمود: مگر من به شما نگفته بودم که او را در پارچه زرد نپیچید؟ سپس آن پارچه را به کناری افکند و پارچه سفیدی گرفته و کودک را در آن پیچید، آن گاه رو به علی (علیه السلام) کرده فرمود: آیا او را نامگذاری کرده ای؟

عرض کرد: من در نامگذاری وی به شما پیشی نمی گیرم! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: من هم در نامگذاری وی بر خدا سبقت نمی جویم!

احکام روزه

آیا رعایت ترتیب بین قضا و کفاره، در کفاره روزه، واجب است یا خیر؟ واجب نیست.

اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری

سالروز ولادت با سعادت کریم اهل بیت

حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام) مبارک باد.

حدیث نور

قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَاتٍ: أَيْهَ مُحْكَمَةٍ، أَخَاهُ مُسْتَفَادًا، وَعِلْمًا مُسْتَطَرَفًا، وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، وَكَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرْدُّهُ عَنِ الرَّدَى، وَتَرَكَ الذُّنُوبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً؛ هَرَكْسَ جَايْغَاهُ (عِبَادَات) خُود رَا دَر مَسْجِد قَرَار دِهْد يَكِي اَز هَشْت فَايْدِه شَامَلَش مِي گَرْدَد: بَرَهَان وَ نَشَانِه اِي بَرای مَعْرِفَت، دُوسْت وَ بَرادَرِي سُوْدَمَنْد، دَانَش وَ اَطْلَاعَاتِي جَامِع، رَحْمَت وَ مَحَبَت عَمُومِي، سَخَن وَ مَطْلَبِي كِه اَو رَا هِدَايَت گَر بَاشَد، دَر تَرَك گَنَاه بَه جِهَت شَرَم اَز مَرْدَم وَ يَا بَه جِهَت تَرَس اَز عَقَاب.»

مستدرک، ج ۳، ص ۲۵۹، ح ۳۷۷۸

امام حسن و سؤالات پیامبر خدا

حضرت جواد الائمه (عَلَيْهِ السَّلَام) حکایت فرمود: روزی امیرالمومنین علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به همراه فرزندش، امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام) و نیز سلمان فارسی وارد مسجد شدند و چون در گوشه‌ای نشستند مردم نزد ایشان اجتماع کرده؛ و مردی خوش چهره با لباس‌های آراسته، نیز در میان آنان حضور داشت.

پس او رو به امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَام) کرد و گفت: یا علی! می‌خواهم سه مسئله از شما بپرسم؟

حضرت فرمود: آنچه می‌خواهی سؤال کن. آن مرد گفت:

اول این که وقتی انسان می‌خواهد روحش کجا می‌رود؟

دوم آن که انسان چرا و چگونه فراموش می‌کند و یا متذکر می‌گردد؟

و سومین سؤال این است که به چه دلیل و علتی، فرزند شبیه به عمو یا شبیه به دایی خود می‌شود؟

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به فرزند خود (حضرت مجتبی) اشاره کرد و فرمود:

ای ابو محمد! جواب مسائل این شخص را بیان نما.

فرمود: جواب اولین سؤال این است که چون خواب، انسان را فرا گیرد، روح او در هوا بین زمین و آسمان در حال حرکت، یا سکون است تا هنگامی که صاحبش حرکتی کند و بیدار شود؛ پس چنانچه خدای متعال اجازه فرماید روح به کالبد او باز می‌گردد؛ و گرنه تا مدت زمانی معین بین روح و جسد فاصله خواهد افتاد.

یادآوری و فراموشی، که چگونه بر انسان عارض می‌شود، بدان که قلب انسان هم چون ظرفی سرپوشیده است، پس اگر انسان بر فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد مداومت نماید، دریچه قلب او باز و روشن می‌شود و آنچه بخواد در سینه‌اش آشکار و هویدا می‌گردد، ولی چنانچه صلوات نفرستد و خودداری کند، قلبش تاریک می‌گردد و فکرش خاموش خواهد ماند.

و اما جواب سومین سؤال که گفتی فرزند چگونه شبیه به عمو و یا شبیه به دایی خود می‌شود، این است که اگر مرد، هنگام زناشویی و مجامعت، با آرامش خاطر و بدون اضطراب عمل نماید و نطفه در رحم زن قرار گیرد، فرزند شبیه پدر یا مادر خود خواهد شد؛ ولی چنانچه با اضطراب و تشویش، زناشویی و مجامعت انجام پذیرد، فرزند شبیه به عمو یا دایی می‌گردد.

پس آن شخص اظهار نمود: من شهادت به یگانگی خداوند داده و می‌دهم و شهادت بر بعثت و رسالت حضرت محمد (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) داده و می‌دهم و همچنین شهادت می‌دهم که تو خلیفه و جانشین بر حق پیغمبر خدا خواهی بود، و سپس نام مبارک یکایک ائمه اطهار (عَلَيْهِمُ السَّلَام) را بر زبان خود جاری ساخت و شهادت بر امامت و ولایت آن‌ها داد و بعد از آن خداحافظی کرد و از مسجد خارج شد.

آن‌گاه امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به فرزند خود حضرت مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: ای ابومحمد! به دنبال آن مرد حرکت کن و برو ببین چه خواهد شد.

حضرت امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام) از پدر خود اطاعت کرد و به دنبال آن شخص رفت و پس از بازگشت چنین اظهار داشت: پدرجان! مرد چون از مسجد خارج شد، ناگهان ناپدید گشت و او را ندیدم.

امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: آیا او را شناختی؟ حضرت مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام) اظهار داشت: شما بفرمایید که چه کسی بود؟ آن‌گاه امیرالمؤمنین (عَلَيْهِ السَّلَام) فرمود: همانا او حضرت خضر پیغمبر (عَلَيْهِ السَّلَام) بود.

شفاعت دو کودک

عصر رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) بود، حسن و حسین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) کودک بودند شخصی گناهی کرد و از شرم آن گناه، مدتی مخفی شد و نزد رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) نمی‌آمد تا این که آن شخص، حسن و حسین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) را دید، آن دو را بر دوش خود سوار کرد و با همان حال به حضور رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) آمد و عرض کرد: من گنه‌کارم، در پناه خدا، و این دو آقازاده به حضور شما آمده‌ام تا مرا ببخشید. رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وقتی که آن منظره را دید، آن چنان خندید که دستش را بر دهانش گذاشت، سپس به آن مرد گنه‌کار فرمود: برو جانم تو آزاد هستی آنگاه به حسن و حسین فرمود: آن شخص در مورد عفو گناه خود، شما را شفیع قرار داد. در این هنگام آیه ۶۴ سوره نساء نازل شد: ... وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و اگر گنه‌کاران که بر اثر گناه به خود ستم کردند، به نزد تو [ای پیامبر] می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آن‌ها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

شجاعت امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام)

جنگ جمل در بصره بین سپاه علی (عَلَيْهِ السَّلَام) و سپاه طلحه و زبیر، در گرفت، آتش جنگ شعله‌ور شد، امیرمؤمنان علی (عَلَيْهِ السَّلَام) پسرش محمد حنفیه را طلبید و نیزه خود را به او داد و فرمود: با این نیزه به دشمن حمله کن، محمد حنفیه به‌سوی دشمن حرکت کرد، ولی در برابر گردان بنوضیه قرار گرفت، و نتوانست کاری انجام دهد. عقب‌نشینی کرد و به حضور پدر بازگشت. همان‌دم امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) با شتاب برخاست و نیزه را از او گرفت و به میدان شتافت و مقداری با دشمن جنگید و بازگشت، درحالی که نیزه‌اش خون‌آلود بود. محمد حنفیه وقتی که دل‌آوری امام حسن (عَلَيْهِ السَّلَام) را دریافت، صورتش (از شرمندگی) سرخ شد، امام علی (عَلَيْهِ السَّلَام) به محمد حنفیه فرمود: لا تائف فائِه ابن النبی و انت ابن علی؛ سرافکنده نباش، زیرا حسن پسر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) است و تو پسر علی هستی.

پیامک به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی (عَلَيْهِ السَّلَام)

* تا خدا هست و خدایی می‌کند، مجتبی مشکل‌گشایی می‌کند.

* با عشق حسن من به جهان ناز کنم، افطارم با نام حسن باز کنم.

* آسمان پرگشته از شادی و شور، آمده از لطف حق میلاد نور

* تو مگو ما را بدان شه بار نیست، با کریمان کارها دشوار نیست.

* بنگر به مرتضی که در این ماه، روزه را، با بوسه از لب پسر افطار می‌کند.